سلامت

بررسی وضعیت صنعت پلاسما به عنوان حلقه راهبردی امنیت سلامت کشور

طلای زرد

زهرا ابراهیمی: پلاسما، بخش مایع و زردرنگ خون، فقط یک حامل سلول‌های خونی نیست، بلکه منبعی حیاتی از پروتئین‌های ارزشمند نظیر آلبومین، ایمونوگلوبولین‌ها و فاکتورهای انعقادی به شمار می‌آید که نقشی اساسی در درمان بیماران خاص، مبتلایان به نقص ایمنی، هموفیلی و بیماران بستری در بخش‌های ویژه ایفا می‌کند. به همین دلیل، پلاسما امروز در جهان صرفا یک فراورده درمانی نیست، بلکه یک کالای راهبردی در نظام سلامت به شمار می‌رود. داروهای مشتق از پلاسما در فهرست داروهای ضروری سازمان جهانی بهداشت قرار دارند؛ فهرستی که اقلام آن برای حفظ سلامت عمومی کشورها حیاتی تلقی می‌شوند. از این منظر دسترسی پایدار به پلاسما و توسعه صنعت مرتبط با آن، مستقیم با مفهوم «امنیت سلامت» گره خورده است. صنعت پلاسما با استفاده از فناوری‌های پیشرفته پالایش، پلاسما را به داروهایی با ارزش افزوده بالا تبدیل می‌کند؛ داروهایی مانند ایمونوگلوبولین‌ها برای تقویت سیستم ایمنی، آلبومین انسانی برای بیماران سوختگی و مراقبت‌های ویژه و فاکتورهای انعقادی برای بیماران هموفیلی. تولید این فراورده‌ها مستلزم رعایت دقیق‌ترین استانداردهای کیفی و ایمنی زیستی است، زیرا کیفیت این محصولات مستقیم با جان بیماران در ارتباط است.

در ایران نیز فراورده‌های خون و پلاسما در زمره دارو طبقه‌بندی می‌شوند و از ارز دارویی بهره‌مند هستند. هرچند بخشی از فاکتورهای انعقادی ۷ و ۸ امروز بدون وابستگی به پلاسما در داخل کشور تولید می‌شود، اما همچنان بخش عمده‌ای از داروهای پرمصرف از جمله آلبومین و IVIG وابسته به پلاسمای انسانی هستند. در سال‌های اخیر، نیاز کشور به پلاسما و داروهای مشتق از آن روندی رو به رشد داشته است؛ رشدی که دلایل متعددی دارد: افزایش شناسایی بیماران خاص، توسعه پوشش‌های بیمه‌ای، گسترش بیماری‌های نقص ایمنی و خودایمنی، افزایش مصرف داروهای سرکوب‌کننده سیستم ایمنی و همچنین محدودیت‌های ارزی و وارداتی. در چنین شرایطی، هرگونه اختلال در زنجیره جمع‌آوری پلاسما می‌تواند به کمبود داروهای حیاتی، افزایش هزینه‌های ارزی و حتی بروز بحران‌های درمانی منجر شود. بر همین اساس، توسعه ظرفیت جمع‌آوری پلاسما و سرمایه‌گذاری در این صنعت ضرورتی فراتر از یک موضوع اقتصادی است و باید به عنوان بخشی از راهبرد کلان امنیت سلامت کشور دیده شود. طبق اعلام سازمان غذا و دارو، ایران سالانه به حدود یک میلیون و ۲۰۰ تا یک میلیون و ۵۰۰ هزار لیتر پلاسما نیاز دارد در حالی که فقط حدود ۶۰۰ هزار لیتر آن در داخل کشور جمع‌آوری و تبدیل به دارو می‌شود. این شکاف قابل توجه نشان می‌دهد کشور همچنان وابستگی بالایی به واردات و منابع خارجی دارد. در حال حاضر ۱۱ شرکت با حدود ۳۸ مرکز جمع‌آوری پلاسما در کشور فعال هستند، اما این ظرفیت هنوز با نیاز واقعی فاصله دارد. در شرایطی که تحریم‌ها و محدودیت‌های ارزی، تأمین دارو را دشوارتر کرده‌اند، حمایت از سرمایه‌گذاری در صنعت پلاسما می‌تواند علاوه بر کاهش وابستگی خارجی، زمینه‌ساز توسعه فناوری، اشتغال‌زایی و تقویت زیرساخت‌های سلامت کشور باشد. صنعت پلاسما امروز فقط یک حوزه درمانی نیست، بلکه بخشی از اقتدار سلامت و تاب‌آوری ملی کشورها در مواجهه با بحران‌های آینده به شمار می‌رود.

خبرخوان

شناسایی ۲۸ کانون احتمالی بوی نامطبوع تهران

مهر: مدیر کل حفاظت محیط زیست استان تهران از شناسایی ۲۸ محور و کانون احتمالی انتشار بوی نامطبوع در پایتخت خبر داد. حسن عباس‌نژاد با اشاره به پیگیری موضوع بوی نامطبوع در تهران گفت: «به دستور مسئولان، کمیته ویژه‌ای با حضور دستگاه‌های متولی از جمله سازمان حفاظت محیط زیست، شهرداری تهران، سازمان جهاد کشاورزی، دستگاه قضائی، سازمان بازرسی و با هدایت معاونت عمرانی استانداری تهران تشکیل شده است». او افزود: «در جلسات تخصصی برگزارشده، ۲۸ محور و کانون احتمالی اثرگذار در انتشار بوی نامطبوع شناسایی و سهم هریک از این عوامل بررسی شده است. در این میان، مرکز دفن پسماند آرادکوه به‌عنوان یکی از کانون‌های مهم در حال ارزیابی کارشناسی قرار دارد». مدیر کل حفاظت محیط زیست استان تهران با بیان اینکه اختلاف‌نظرهایی درباره میزان تأثیر آرادکوه وجود دارد، گفت: «موضوع زباله‌سوزی، تجمع پسماند و به‌ویژه مدیریت شیرابه‌ها از مهم‌ترین مواردی است که می‌تواند در انتشار بوی نامطبوع نقش داشته باشد». عباس‌نژاد ادامه داد: «علاوه بر آرادکوه، برخی واحدهای صنعتی، لبنی، کشتارگاه‌ها و دامداری‌های مستقر در محدوده‌های اطراف نیز مورد بررسی قرار گرفته‌اند. خوشبختانه تصفیه‌خانه‌های فاضلاب واحدهای لبنی و کشتارگاه‌ها به بهره‌برداری رسیده‌اند و فرایند تصفیه در حال انجام است». او افزود: «همچنین مدیریت فاضلاب و پسماند دامداری‌ها در دستور کار قرار گرفته و سازمان جهاد کشاورزی، دانشگاه تهران و دامپزشکی مسئولیت ساماندهی این بخش را بر عهده دارند. دستگاه‌های مسئول موظف شده‌اند اقدامات لازم را برای کاهش و رفع عوامل انتشار بوی نامطبوع انجام دهند و بررسی‌های کارشناسی تا شناسایی دقیق منشأ این معضل ادامه خواهد داشت».

هشدار درباره آگهی‌های جعلی استخدام

رئیس اداره اجتماعی پلیس آگاهی فراجا با هشدار نسبت به افزایش انتشار آگهی‌های جعلی استخدام و دورکاری در فضای مجازی، گفت: «کلاهبرداران با سوءاستفاده از شرایط اقتصادی و نیاز افراد به اشتغال با وعده درآمدهای بالا و استخدام آسان، شهروندان را در دام خود گرفتار می‌کنند». محمد شریفی ادامه داد: «در ماه‌های اخیر، پرونده‌های متعددی در خصوص کلاهبرداری تحت پوشش آگهی‌های استخدام، دورکاری و کسب درآمد اینترنتی به پلیس آگاهی ارجاع داده شده که نشان می‌دهد سودجویان با بهره‌گیری از بستر فضای مجازی، به دنبال فریب جویندگان کار هستند». او افزود: «کلاهبرداران معمولا با انتشار آگهی‌های جذاب در شبکه‌های اجتماعی، کانال‌ها و سایت‌های اینترنتی، وعده‌هایی نظیر استخدام فوری، درآمدهای بالا بدون نیاز به تخصص، فعالیت در منزل و کسب درآمد آسان را مطرح کرده و پس از جلب اعتماد افراد، از آنها درخواست واریز وجه تحت عناوینی همچون هزینه ثبت‌نام، تشکیل پرونده، خرید تجهیزات، فعال‌سازی حساب کاربری یا دریافت مجوز فعالیت می‌کنند». رئیس اداره اجتماعی پلیس آگاهی فراجا افزود: «در بسیاری از موارد، پس از واریز وجه، ارتباط گردانندگان این آگهی‌ها با متقاضیان قطع شده و افراد متوجه می‌شوند که قربانی یک کلاهبرداری از پیش طراحی‌شده شده‌اند». شریفی با تأکید بر ضرورت افزایش هوشیاری شهروندان افزود: «هیچ شرکت، سازمان یا مجموعه معتبری برای استخدام افراد از متقاضیان درخواست پرداخت وجه نمی‌کند و شهروندان باید نسبت به وعده‌های غیرواقعی و درآمدهای نجومی بدون تخصص و سابقه کاری حساس باشند». او ادامه داد: «بررسی هویت شرکت، استعلام مجوز فعالیت، مراجعه به درگاه‌های رسمی و خودداری از واریز وجه به حساب‌های شخصی از مهم‌ترین راهکارهای پیشگیری از این‌گونه کلاهبرداری‌هاست». این مقام انتظامی از خانواده‌ها خواست روی فعالیت فرزندان خود در فضای مجازی نظارت بیشتری داشته باشند و اجازه ندهند افراد سودجو از کم‌تجربگی و اعتماد آنان سوءاستفاده کنند.

عکس: احمد ظهرابی، ایسنا

گزارش «شرق» از رونق خرید و فروش مقاله و مدارک «ضمن خدمت» در سایه اجرای طرح رتبه‌بندی معلمان

بازار سیاه «رتبه»

کانال‌ها و واسطه‌ها در ازای دریافت پول، مدارک و امتیازهای لازم را برای رتبه‌بندی معلمان تأمین می‌کنند

محمدحسین موسوی: اسفند ۱۴۰۰ بود که پس از کش‌وقوس‌های فراوان، طرح «رتبه‌بندی معلمان» تصویب شد و توسط رئیس‌جمهور وقت به وزارت آموزش و پرورش و سازمان برنامه و بودجه ابلاغ شد. اکنون پس از چهار سال، این طرح که قرار بود بر سطح معیشتی کارکنان و وضعیت حرفه‌ای آنها تاثیر مثبت بگذارد، تبدیل به مصوبه‌ای «نمایشی» و غیرمؤثر شده است. طرح رتبه‌بندی از یک طرف در کش‌وقوس‌های اداری و مالی گیر کرده است؛ مثلا «علی فرهادی» ۱۳ خرداد در گفت‌وگویی بیشترین بدهی وزارت آموزش و پرورش را مربوط به «تغییرات رتبه‌بندی معلمان در نیم‌سال دوم ۱۴۰۰» عنوان کرد و گفت: «در اجرای قانون رتبه‌بندی و پرداخت‌های مرتبط، برداشت‌های متفاوتی از قانون وجود دارد، اما هدف نهایی وزارت آموزش و پرورش اجرای کامل قانون و تسویه بدهی‌ها در چارچوب مصوبات مجلس است». از طرف دیگر، این طرح برای معلمان نیز تبدیل به باری اضافی شده است؛ به عبارتی آنها برای اندک افزایشی در حقوق‌شان، مجبور به ساخت مدرک و ارائه انواع کارهای پژوهشی و آموزشی شده‌اند، به‌طوری که حتی افرادی نیز کانال‌هایی در «ایتا» ایجاد کرده و برای معلمان، «ضمن خدمت» و «مقاله» می‌سازند. ریشه طرح «رتبه‌بندی معلمان» به سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و برنامه ششم توسعه برمی‌گردد. در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ این طرح با هدف ارتقای کیفیت تعلیم و تربیت، بهبود منزلت اجتماعی و معیشت معلمان و ایجاد نظام پرداخت مبتنی بر عملکرد و تخصص ارائه شد، اما از همان زمان به علت مسائل مرتبط با بودجه و تغییرات مدیریتی و بوروکراتیک، اجرای این طرح به تعویق افتاد تا اینکه در نهایت در سال ۱۴۰۰ دولت سیزدهم با همراهی مجلس این طرح را اجرا کرد. در این طرح پنج سطح برای معلمان از آموزشیار تا استاد وجود دارد که معلم‌ها بر مبنای سابقه، ارزشیابی‌ها، مدارک دوره‌های آموزشی موسوم به ضمن خدمت و مقالات و دستاوردهای علمی، رتبه خود را دریافت می‌کنند. همین‌طور طبق طرح اولیه، از ۴۵ درصد تا ۹۰ درصد افزایش حقوق برای هرکدام از معلمان بر مبنای رتبه کسب‌شده احتساب خواهد شد؛ افزایشی که حالا در واقعیت اجرا نشده است.

پول در ازای مدرک

« از ۲۵۰ هزار تومان تا چند میلیون تومان پول می‌دهی و مدارک ضمن خدمت و مقاله دریافت می‌کنی»؛ این صحبت خانم «ر»، یکی از معلمان، درباره افراد و کانال‌هایی است که مشغول فروش و تأمین مستندات لازم برای افزایش رتبه معلمان هستند. او آدرس یک کانال در «ایتا» را می‌فرستد؛ کانال مذکور به نام «ضمن خدمت» فعالیت می‌کند. با گشتی در کانال می‌توان انواع دوره‌های ضمن خدمت در حال برگزاری را با کدها و اطلاعات آن دید. زیر هر پیام، یک آیدی دیده می‌شود که معلم می‌تواند با ارسال پیام و پرداخت عددی بین ۲۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان، بخواهد کسی به‌جای او در امتحان این دوره شرکت کرده و مدرک لازم را دریافت کند. در کانال دیگری در «ایتا» نیز فردی مشغول فروش مقاله است؛ او براساس موضوعات و استانداردهای تعیین‌شده توسط آموزش و پرورش، برای هر معلم مقاله‌ای قابل تأیید می‌دهد تا در رزومه خود ثبت کنند. مثل این کانال‌ها زیاد است؛ شماره‌های متعددی وجود دارد که از طریق تماس با آنها، معلمان می‌توانند با پرداخت هزینه‌هایی بعضا اندک، مدرک دوره‌های ضمن خدمت و مقاله دریافت کنند. خانم «ر» می‌گوید این موضوع اتفاق تازه‌ای نیست: «از زمانی که من در اواخر دهه ۸۰ کارم را شروع کردم، افرادی بودند که برای معلمان ضمن خدمت یا کارهای دیگر انجام می‌دادند؛ زیرا به هر حال داشتن این مدارک جزء الزامات آموزش و پرورش است. این افراد هم اکثرا خودشان یا معلم هستند یا بازنشسته شده‌اند و این کار یک منبع درآمد برایشان است». به گفته او، این افراد در این سال‌ها فعال‌تر شده‌اند: «در چند سال اخیر، به علت اجبارهای آموزش و پرورش به طرح رتبه‌بندی و همین‌طور تورمی که باعث شده همان عدد کم نیز بر معیشت معلمان مؤثر شود، کار این کانال‌ها و افراد زیاد شده و درآمدشان افزایش یافته است. حتی یکی از آنها را که من می‌شناسم، اخیرا دو نفر را هم برای این کار استخدام کرده است».

یک میلیون تومان؛ فرق معلم معمولی و معلم استاد

«سال ۱۴۰۰ بود که به ما اطلاع دادند مرحله اول طرح رتبه‌بندی شروع شده است. آن زمان سایتی را به ما معرفی کردند و گفتند تمام فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی خود را با توجه به گزینه‌های موجود اعلام کنیم و مستندات ارزشیابی‌ها، تقدیرنامه‌ها، ضمن خدمت‌ها، برنامه‌های آموزشی، فرهنگی و فوق‌برنامه‌هایی را که در مدرسه برگزار کرده‌ایم، در سایت بگذاریم تا بررسی شود. تا الان نیز هر سال در همان سایت باید همین کار را انجام دهیم». خانم «ق» معلم دبستانی در تهران است، او می‌گوید تأمین این مستندات برای اثبات فعالیت‌ها برای همه معلمان کار ساده‌ای نیست: «به ما گفته بودند باید مستندات سال‌های قبل، برای مثال در مرحله اول مستندات فعالیت‌ها در سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ را در سایت بارگذاری کنیم. بعضی از معلمان به علت بازنشستگی مدیران، در تأمین مستندات فعالیت‌های خود در سال‌های پیشین به مشکل خوردند و بعضی نیز چون مدیران یا خودشان از شهری به شهر دیگر رفته بودند، نتوانستند از مدیر امضاها و مستندات لازم را بگیرند. از سوی دیگر، بخشی از فعالیت‌های مفید و مثمرثمر معلمان از جنس کارهای درون‌مدرسه‌ای بوده و مستنداتی که بتوانند برای آن ارائه دهند و مورد قبول ارزیابان باشد، نداشتند». او می‌گوید این شیوه رتبه‌بندی بازار سیاهی نیز ساخته است. خانم «ق» از همان اول آغاز این طرح، شروع به بارگذاری مدارک خود در تمام مراحل کرده، اما چندان تغییری در حقوق و درآمدش ایجاد نشده است: «در مرحله سال ۱۴۰۰ حدود دو میلیون تومان به حقوق اضافه شد و الان نیز حدود یک میلیون تومان در مرحله سال ۱۴۰۴ به حقوق من اضافه شده است».

فقط ۲ میلیون افزایش

«یک کتاب در سال ۱۴۰۰ در مدرسه به مناسبت نوروز درآوردیم، من معلم پرورشی بودم و نامم در آن ثبت شده بود. چند مدرک ضمن خدمت نیز داشتم اما کافی نبود تا بتوانم رتبه مدنظرم را کسب کنم». خانم «ح» معلم دبستانی در اصفهان است، او می‌خواست از بین پنج رتبه موجود در طرح رتبه‌بندی براساس سوابق کاری و حرفه‌ای خود رتبه چهار یا پنج را کسب کند؛ موضوعی که باعث شد از کانال‌ها و افرادی کمک بگیرد: «یکی از همکاران شماره آقایی را داد و گفت او می‌تواند در انجام ضمن خدمت و جورکردن مقاله به من کمک کند. تماس گرفتم و او در ایتا برایم فهرست قیمت‌ها را فرستاد. از ۲۵۰ هزار تومان برای ضمن خدمت تا چند میلیون تومان برای مقاله و چند مدرک دیگر در آن فهرست وجود داشت». خانم «ح» مانند چند نفر از همکاران دیگر خود از این مسیر برای افزایش رتبه استفاده کرده است: «کار درستی نیست، اما وقتی مدارک مورد نیاز بیش از توانایی فرد مبتنی بر روابط او و همین‌طور سال‌های فعالیتش است، بسیاری مجبور می‌شوند از این امکان استفاده کنند. از سمت دیگر، دل من معلم نیز نمی‌سوزد؛ زیرا رتبه‌بندی نه از نظر مالی برای من سود هنگفتی دارد که بگویم دارم حقی را ناحق می‌کنم و نه بر شغل و کارم تأثیری دارد که بگویم در حال دروغ‌گفتن هستم». از نظر او رتبه‌بندی معلمان تنها یک کار بوروکراتیک مثل کارهای دیگر است: «تنها بخشی از این طرح که روی شغل معلمان تأثیر دارد و مدیران آموزش و پرورش نیز درباره آن حرف می‌زنند، بخش مالی است. اما مسئله اینجاست این طرح حتی از نظر مالی نیز سودی به معلم نمی‌رساند. برای مثال، من با انجام رتبه‌بندی تنها نزدیک دو میلیون تومان به حقوقم اضافه شد، در حالی که در ابتدا گفته بودند قرار است ۷۰ درصد حقوق معلمان افزایش یابد».

طرح رتبه‌بندی، شکست صنفی

«محمد حبیبی»، سخنگوی شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران است. او می‌گوید قانون رتبه‌بندی نتیجه تجمعات و اعتراضات معلمان است: «معلمان در یک دهه برای افزایش دستمزد و بهبود وضعیت معیشتی تجمعات اعتراضی مختلفی برگزار کردند. نکته حائز اهمیت این است که براساس نحوه اجرای این قانون، در این طرح هیچ برنامه‌ای برای افزایش یا ارتقای کیفیت آموزشی وجود ندارد. درباره معیشت معلمان نیز در همان بازه ابتدایی اجرای این طرح یعنی سال ۱۴۰۰، بهبود نسبتا کمی در وضعیت معیشتی معلمان ایجاد شد اما با توجه به افزایش تورم در این چهار، پنج سال اخیر و کاهش شدید قدرت خرید معلمان، دیگر این طرح در بحث معیشت نیز کارایی ندارد». او می‌گوید این طرح مطابق با خواسته معلمان نبود: «آنچه معلمان از سال ۹۴ نزدیک به یک دهه دنبالش بودند یک طرح جامع‌تر و اثرگذارتر بود. معلمان با توجه به اینکه در زمان دولت آقای احمدی‌نژاد دیدند طرح اجرای قانون نظام هماهنگ‌سازی که قرار بود فاصله دستمزدی معلمان با سایر ارگان‌های دولتی را کاهش دهد اجرا نشد، انتظار داشتند با طرح رتبه‌بندی شرایطی ایجاد شود که کیفیت آموزشی از طریق بهبود وضعیت معیشتی و کاهش فاصله دستمزدی بین معلمان و دیگر کارکنان دولت، افزایش یابد. ولی آنچه دولت اجرا کرد یک طرح نیمه‌کاره بود». حبیبی به طرح اولیه اشاره می‌کند؛ طرحی که قرار بود وضعیت معیشتی معلمان را دچار تغییری اساسی کند: «در طرح اولیه قرار بود حقوق هر معلم به ۸۰ درصد از حقوق یک استاد دانشگاه برسد که انجام نشد. درحال حاضر وضعیت به شکلی شده است که شکاف دستمزد بین معلم و سایر کارکنان دولت بسیار زیاد شده و با افزایش تورم همان بهبود نسبی‌ای که اجرای طرح در سال ۱۴۰۰ ایجاد کرده بود از بین رفته است. در حال حاضر در بهترین حالت دستمزد یک معلم ۱۸ تا ۲۰ میلیون تومان است و شاید اغراق نباشد که بگوییم حقوق معلمان از بخش عمده کارگران بخش خصوصی پایین‌تر است. در حال حاضر فکر می‌کنم خط فقر در حدود ۵۰، ۶۰ میلیون تومان است که سه برابر بیشتر از حقوق معلمان است، در نتیجه این طرح از نظر صنفی کاملا شکست‌خورده است». او می‌گوید تغییر در رتبه معلمان براساس این طرح، منوط به طی‌کردن یک‌سری آموزش فرمالیته است: «تغییر در رتبه‌های معلمان مبتنی بر یک‌سری آموزش‌های ضمن خدمت است که کاملا فرمالیته است. در این دوره‌ها آموزش‌هایی ارائه می‌شود و بعد امتحاناتی از معلمان گرفته می‌شود. این دوره‌ها صرفا به معلمان در افزایش رتبه و دستمزدشان کمک می‌کند و نه به دانش معلمان می‌افزاید و نه کیفیت آموزش و توانمندی‌های معلمان را بالا می‌برد». یکی از مسائل موجود در طرح رتبه‌بندی معلمان مربوط به تفاوتی است که این طرح بین معلمان مناطق محروم با دیگر معلمان قائل نمی‌شود. به‌جز این معلمان، طرح رتبه‌بندی برای معلمان جدیدالاستخدام نیز مسئله‌ساز است: «این طرح از ابتدا تفاوتی بین معلمانی که در مناطق کم‌برخوردار مشغول به کار هستند با معلمان دیگر قائل نمی‌شد. معلمان جدیدالاستخدام نیز از همان زمانی که طرح اجرا شد اعتراضاتی داشتند در این باره که وضعیت معیشتی آنها در سال‌های اول کار در این طرح کنار گذاشته شده است. بعدا تلاش شد این مسائل را به نوعی جبران کنند اما هنوز برای معلمانی که تازه وارد آموزش و پرورش می‌شوند این طرح به شکل ناقص درحال اجراست و آنها از عواید این طرح یعنی افزایش حداقلی حقوق بهره‌مند نیستند». حبیبی می‌گوید معلمان بازنشسته و معلمان پیش‌دبستانی‌ها نیز در این طرح دیده نشده‌اند: «معلمان پیش‌دبستانی کاملا از این طرح محروم هستند، به معلمان بازنشسته نیز قول داده شده بود شامل این طرح بشوند اما به دلایل مختلفی از جمله کمبود بودجه دولت، آنها نیز از این طرح کنار گذاشته شدند تا زمانی که اعتراض کردند و آموزش و پرورش به شکل حداقلی برای آنها نیز حقوق و مزایایی در نظر گرفت، معلمانی که الان بازنشسته شوند به شکل خودکار افزایش حقوق در بازنشستگی خواهند داشت».

از مشکلات مالی تا اصلاحات بی‌تأثیر

رتبه‌بندی معلمان به یکی از بخش‌های ثابت مصاحبه‌های مسئولان آموزش و پرورش شده تبدیل است. «علی فرهادی»، سخنگوی آموزش و پرورش، در آخرین اظهارنظرش به بدهی‌های متعدد آموزش و پرورش به معلمان در طرح رتبه‌بندی، اشاره کرده است: «بازنشسته‌های ۱۴۰۱، ۱۴۰۲، ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ هم نیمه دوم سال ۱۴۰۰ را بابت این امر طلب دارند... تلاش ما این است که زودتر پرداخت انجام شود، ولی در حال حاضر اولویت ما پرداخت طلب افرادی است که بازنشسته شده‌اند». در همین راستا «مجتبی یوسفی»، سخنگوی کمیسیون تلفیق، در بهمن ۱۴۰۴ گفته است بدهی‌های آموزش و پرورش در ردیف بودجه ۱۴۰۵ لحاظ خواهد شد: «کمیسیون تلفیق در مصوبه‌ای منابع لازم برای اجرای کامل رتبه‌بندی معلمان و رتبه‌بندی برای معلمان شاغل و بازنشسته سال‌های ۱۴۰۰، ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ را در بودجه سال آینده پیش‌بینی کرده است». اقدامی که تلاشی برای کاهش بدهی‌های این وزارتخانه به معلمان است. از سویی اما با وجود تمام مشکلات، دولت «رتبه‌بندی» را هنوز یکی از مهم‌ترین طرح‌های خود برای جذب و بهبود وضعیت معلمان می‌داند. «علیرضا کاظمی»، وزیر آموزش و پرورش، ۱۳ مرداد ۱۴۰۴ دراین‌باره گفت: «رتبه‌بندی معلمان مهم‌ترین اقدامی است که دولت و مجلس برای انگیزه‌بخشی به معلمان انجام داده‌اند».

«در طرح اولیه قرار بود حقوق هر معلم به ۸۰ درصد از حقوق یک استاد دانشگاه برسد که انجام نشد. درحال حاضر وضعیت به شکلی شده است که شکاف دستمزد بین معلم و سایر کارکنان دولت بسیار زیاد شده و با افزایش تورم همان بهبود نسبی‌ای که اجرای طرح در سال ۱۴۰۰ ایجاد کرده بود از بین رفته است. در حال حاضر در بهترین حالت دستمزد یک معلم ۱۸ تا ۲۰ میلیون تومان است و شاید اغراق نباشد که بگوییم حقوق معلمان از بخش عمده کارگران بخش خصوصی پایین‌تر است. در حال حاضر فکر می‌کنم خط فقر در حدود ۵۰، ۶۰ میلیون تومان است که سه برابر بیشتر از حقوق معلمان است، در نتیجه این طرح از نظر صنفی کاملا شکست‌خورده است

او در همین مصاحبه به آیین‌نامه‌ای اشاره کرد که دولت درحال تدوین آن برای ارتقای رتبه معلمان است؛ آیین‌نامه‌ای که نهایتا تصویب شد و وزیر آموزش و پرورش ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۵ آن را یادآوری کرد: «سال گذشته اشکالات آیین‌نامه رتبه‌بندی اصلاح و در هیئت دولت تصویب شد. همچنین احکام ارتقای رتبه بیش از ۲۰۰ هزار معلم پیش از عید صادر شد و مطالبات شش‌ماهه آنان نیز پرداخت شد»؛ اقدامی که هنوز تأثیر آن در بین معلمان احساس نشده است.

خبرهای روز

توقف محموله‌های دارویی پشت مرزها

رئیس سازمان غذا و دارو با تشریح آخرین وضعیت تأمین دارو پس از جنگ، از تداوم مشکلات حمل‌ونقل و نقل‌وانتقال مالی در مسیر واردات مواد اولیه خبر داد و گفت بخشی از محموله‌های دارویی کشور همچنان در بنادر کشورهای منطقه متوقف مانده‌اند؛ این محدودیت‌ها در کنار جهش نرخ ارز، افزایش چندبرابری هزینه مواد بسته‌بندی و اقلام جانبی، تأمین برخی داروها را با چالش مواجه کرده است. مهدی پیرصالحی گفت: «در جریان جنگ، ۴۴ شرکت و هفت داروخانه آسیب دسد و تعدادی از واحدهای تولیدی حوزه آرایشی و بهداشتی نیز خسارت دیدند. تعطیلی برخی شیفت‌های شب و کندشدن روند تولید، مشکلاتی را ایجاد کرد، اما تولید متوقف نشد و تأمین اقلام حیاتی از جمله شیرخشک، محلول‌های دیالیز و تجهیزات دیالیز ادامه یافت». رئیس سازمان غذا و دارو در بخش دیگری از سخنان خود به وضعیت فعلی تأمین دارو پرداخت و گفت: «اکنون حدود ۱۰۰ روز از پایان جنگ می‌گذرد، اما بسیاری از مسیرهای حمل‌ونقل همچنان با محدودیت مواجه هستند. بخش عمده مواد اولیه داروهای اعصاب و روان و همچنین برخی واکسن‌ها از هند تأمین می‌شود و با وجود تلاش‌های فراوان، هنوز بخشی از محموله‌ها به کشور نرسیده است». او ادامه داد: «حدود ۱۰۰ تن ماده اولیه دارویی از زمان جنگ تاکنون در منطقه جبل‌علی امارات باقی مانده و بخشی دیگر نیز در بندر کراچی متوقف شده است. همه ظرفیت‌های دیپلماتیک و اجرایی کشور برای رفع این موانع به کار گرفته شده و وزارت راه، گمرک، بانک مرکزی و سایر دستگاه‌ها همکاری گسترده‌ای در این زمینه داشته‌اند». او درباره قیمت دارو نیز توضیحاتی ارائه داد و گفت: «بخشی از تأمین ارز دارو با ارز ترجیحی و بخش قابل توجهی با ارز غیرترجیحی انجام می‌شود. نرخ ارز غیرترجیحی از حدود ۷۰ هزار تومان در دی‌ماه به حدود ۱۵۰ هزار تومان رسیده است. همچنین قیمت مواد بسته‌بندی و اقلام جانبی به‌ویژه محصولات وابسته به صنایع پتروشیمی طی این مدت بین دو تا پنج برابر افزایش یافته است. در چنین شرایطی ناچار به اصلاح قیمت‌ها هستیم، هرچند این موضوع با حساسیت و سخت‌گیری در کمیسیون‌های قیمت‌گذاری بررسی می‌شود و تلاش داریم آثار آن از طریق پوشش‌های بیمه‌ای برای مردم جبران شود».

شوتی‌ها جان ۳۵۸ نفر را گرفتند

رئیس پلیس راه راهور فراجا با اعلام کاهش ۱۲درصدی تلفات ناشی از تصادفات خودروهای شوتی در سال ۱۴۰۴، در عین حال گفت با وجود اقدامات انجام‌شده و روند نزولی آمارها، همچنان ۳۵۸ نفر در طول یک سال گذشته بر اثر حوادث مرتبط با این خودروها جان باختند. از مجموع ۳۵۸ فوتی ثبت‌شده در حوادث خودروهای شوتی، ۶۲.۵ درصد مربوط به خودروهایی بوده که در حال حمل سوخت قاچاق بودند و این گروه بیشترین سهم را در تلفات به خود اختصاص داده‌اند. احمد کرمی‌اسد، با تشریح ابعاد مختلف پدیده خودروهای شوتی، توضیح داد: «رانندگان این خودروها با ایجاد تغییرات غیرمجاز در پلتفرم وسیله نقلیه، سیستم روشنایی، مشخصات ظاهری، ویژگی‌های فنی و هندلینگ خودرو، آن را از وضعیت استاندارد خارج کرده و برای فعالیت‌های غیرقانونی مورد استفاده قرار می‌دهند. از آنجا که فعالیت این خودروها ماهیتی غیرمجاز دارد، رانندگان آنها برای فرار از کنترل‌های پلیس، مرتکب انواع تخلفات و رفتارهای پرخطر می‌شوند. این افراد برای جلوگیری از قرارگرفتن در چرخه کنترل پلیس، از هیچ اقدامی دریغ نمی‌کنند و همین مسئله سبب بروز رفتارهای مخاطره‌آمیز و گاه فاجعه‌بار در سطح جاده‌ها می‌شود». او حرکت با سرعت‌های غیرمجاز، انجام حرکات مارپیچ، سبقت‌های خطرناک، پیچیدن ناگهانی مقابل سایر خودروها، ورود به معابر اصلی بدون رعایت حق تقدم و حتی حرکت در خلاف جهت آزادراه‌ها را از جمله شاخص‌ترین رفتارهای رانندگان خودروهای شوتی عنوان کرد و گفت: «این افراد در بسیاری از موارد رفتارهایی کاملا انتحاری از خود بروز می‌دهند که جان آنها و سایر کاربران راه را به‌شدت تهدید می‌کند».